



UA-0052
Second Year B. A. Examination
March / April – 2012
Persian : Paper-II

Time : 3 Hours]

[Total Marks : 75

સૂચના

(૧)

<p>નીચે દર્શાવેલ નિશાનીવાળી વિગતો ઉત્તરવહી પર અવશ્ય લખવી. Fillup strictly the details of signs on your answer book.</p> <p>Name of the Examination : S. Y. B. A.</p> <p>Name of the Subject : Persian : P-2</p> <p>Subject Code No. : 0 0 5 2 Section No. (1, 2,.....): Nil</p>	<p>Seat No. : [] [] [] [] [] []</p> <p style="text-align: center;">Student's Signature</p>
---	--

૧ **موسی ژوردان** નાટકનાં પાત્રોનો પરિચય આપી તેની ભાષાશૈલી ઉપર નોંધ લખો. ૧૨

અથવા

૧ અર્વાચીન ફારસી ગદ્ય અને ગદ્યશૈલીની વિકાસગાથા આલેખો. ૧૨

૨ **مرزا فتح علی آفنداده** નું જીવન વૃત્તાંત અને તેમનાં નાટકોની ચર્ચા કરો. ૧૨

અથવા

૨ નાટકના પ્રકારો જણાવી ફારસી સાહિત્યમાં નાટ્યલેખનના વિકાસ પર નોંધ લખો. ૧૨

૩ ગમે તે બે ઉપર નોંધ લખો : ૧૨

(૧) **حکیم نباتات** નાટકનું ટૂંકસાર

(૨) **تمثيل اجتماعی** વિશે નોંધ લખો.

(૩) મિરઝા જાફર કુરાજાદાગીનું જીવન વૃત્તાંત

۴ गमे ते अके विशे तमारी झरसीमां लपो :

१०

(१) شیر بالو خانم

(२) تمثيل مجلس الفردی

(३) موسی ژوردان

۵ गमे ते बेनो गुजरातीमां अनुवाद करो :

२४

(१) شیراز بیگ - عمو! این را حالی نشدم -
حائم خان آقا - چرا حال نشدی؟ فرزند! بسیار زن
بژدن عبارت از آن است - که یک مرد به یک زن
اکتفاده میکنند و بسیار شوهر کردن ہم عبارت است
از آنکه یک زن یک مرد اکتفانه کند - عبارت اولی
میان ما هست - دومی در پاریس است بنا
بر کتابیائے که موسی ژوردان این زمستان دراز
مضمون آنها را متقل برای ما حکایت می کرد -
باقی چیزها را ازین دو فرض کن! از نیت بے فائده
پاریس رفتن بیفت -

(۲) شرف النساء خانم - چه می دانم چه می گفت است؟
گفته است در پاریس دختران و عروسان خوش
گل در مجالس میان مردم رو بازی روند -
شیر بالو خانم - دیگر چه حرف زده؟
شرف النساء خانم - من چه می دانم؟ گفت است!
پسر یا با دختر یا و عروسها در یک جایازی می کنند -
می گویند می خندید -
شیر بالو خانم - (دل تنگ) واه! این که همه حرف اول
است غیر ازین چه حرف زده است -

(۳) شیر بالو خانم - (رو بد دختر کوچک کرده) گلچیره!
بابات پشت خانه با خوپاتان حرف می زند -
برو و بگو زود اینجا بیاید - کارو اجبی هست
(گلچیره می رود) این فزنگیا چه قدر مردمان
ناشکر و نمک نشناس می شوند - هیچ نیکی نمی
فهمند - من بے عقل باز هر روز غذائے سرنیار
موسی ژوردان کرده باید باشد - سرشیر باید
باشد ولایت خودش که می رود نگوید - زنان
ایلات قرا باغ بے معرفت می شوند - حرمت
مهمان را نمی توانند بیاورند - و بیاید بعد ازین
بمردم خوبی کن! تمام خوبی بیا درخت -